

نقش الگوهای تعاملی و رفتارهای مراقبتی در پیش‌بینی تعهد زناشویی

مریم ملک آسا^۱، پرینسا سادات سید موسوی^۲، منصوره السادات صادقی^۳
و مریم فلاحت پیشه^۴

دریافت مقاله Feb 7, 2017
پذیرش مقاله Apr 20, 2017

تعهد یکی از پیش‌بینی کننده‌های مهم تمایل افراد برای ماندن در ازدواج و عاملی تعیین کننده در طول مدت و کیفیت آن است. با توجه به اهمیت عوامل فرهنگی در این زمینه، هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش الگوهای تعاملی و رفتارهای مراقبتی افراد متاهل در پیش‌بینی تعهد زناشویی آنان بود. برای این منظور، ۱۲۰ نفر از افراد متاهل شهر تهران به صورت دردسترس از هر یک از ۵ منطقه تهران (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) انتخاب و از نظر تعهد زناشویی، تعامل زوجین و رفتارهای مراقبتی مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج تحلیل نشان داد که الگوی ارتباطی مثبت و منفی بین همسران، توانایی پیش‌بینی تعهد اخلاقی و شخصی را دارد. همچنین رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و حساس، توانایی پیش‌بینی تعهد اخلاقی، و رفتار مراقبتی حساس و وسواس‌گونه، توانایی پیش‌بینی تعهد شخصی را دارند. به علاوه، الگوی ارتباطی مثبت و منفی، رفتار مراقبتی حساس و رفتار مراقبتی کنترل کننده، توان پیش‌بینی تعهد اخلاقی را دارند، و رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و الگوی ارتباطی مثبت، توان پیش‌بینی تعهد شخصی را دارند. نتایج پژوهش نشان داد که الگوهای ارتباطی و سبک مراقبتی افراد متاهل که بر مبنای سبک دلبستگی آنها شکل می‌گیرد، نقش مهمی در میزان تعهد زناشویی آنان دارند. بنابراین می‌توان با تقویت الگوهای ارتباطی و رفتارهای مراقبتی مثبت در روابط زوج به تقویت تعهد شخصی و اخلاقی آنها کمک کرد.

واژگان کلیدی: الگوی تعاملی، رفتار مراقبتی، تعهد زناشویی

مقدمه

افراد، تمایل زیادی به احساس صمیمیت و دوست داشتنی بودن از سوی دیگران دارند و ازدواج به منظور تامین نیاز به عشق و صمیمیت انجام می‌شود (چاپمن، ۲۰۱۰). با پیمان ازدواج، ارتباطی شکل می‌گیرد که در مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی، امنیتی بی‌نظیر دارد. دیگر ارتباطات انسانی ممکن

۱. دپارتمان خانواده درمانی، پژوهشکده ی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دپارتمان خانواده درمانی، پژوهشکده ی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده ی مسوول) p_mousavi@sbu.ac.ir

۳. دپارتمان خانواده درمانی، پژوهشکده ی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. دپارتمان روان شناسی بالینی، پژوهشکده ی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

است یک بُعد از ابعاد حیات را پوشش دهند، اما در ازدواج، ابعادی همچون بعد جسمی، عاطفی، اجتماعی و ذهنی پوشش داده می‌شود و رابطه‌ای زیستی، اقتصادی، عاطفی، روانی - اجتماعی و معنوی بین زن و شوهر شکل می‌گیرد. به همین دلیل، یافتن همسر مناسب و ایجاد و حفظ یک رابطه بلند مدت با وی یکی از مهم‌ترین اهدافی است که افراد برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند (هولمز و جانسون، ۲۰۰۹). عدم تعهد به رابطه زناشویی عوارض و پیامدهای متعددی را به دنبال خواهد داشت که هم بر فرد، هم بر خانواده و هم بر جامعه به ویژه همسری که بی وفایی دیده است تاثیر می‌گذارد و آنها را دچار تغییرات فیزیولوژیک در سیستم اعصاب و فعالیت شناختی خود می‌کند (گیورتز، سگرین، و ووسزیلدو، ۲۰۱۶).

دین و اسپانیر (۱۹۷۴) تعهد زناشویی را تمایل زوجین به حفظ و ادامه دادن یک رابطه مشترک مدت طولانی تعریف می‌کنند. استنلی و آماتو، جانسون و مارکمن، (۲۰۰۶) نیز در تعریف تعهد اظهار داشتند که تعهد به عنوان میزان ارزشی که زوجین برای رابطه زناشویی خود قایل‌اند، و میزان تلاش و انگیزه آنها برای حفظ و تداوم این رابطه، تعریف می‌شود. آلن، روآدس، استنلی و مارکمن (۲۰۱۱) نیز تعهد زناشویی را شامل دو مولفه از خودگذشتگی نسبت به همسر و ناتوانی در ترک رابطه زناشویی می‌دانند. تعهد ابعاد چندگانه‌ای دارد و دربرگیرنده ی دلایل شخصی، اخلاقی و اعتقادی به خصوصی است که شخص را به ادامه ی رابطه زناشویی پایبند می‌کند (تنگ و کوران، ۲۰۱۳). هر ازدواج موفق حاوی سه رکن تعهد، جاذبه و تفاهم است که در این بین تعهد زناشویی قویترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (جان، سم، رورو، و تسوی، ۲۰۱۷). تعهد بالا موجب می‌شود طرف مقابل سازگاری نشان دهد، از تلافی کردن اشتباه وی پرهیز کند و به شیوه‌ای پاسخ دهد که رابطه را ارتقا دهد (راسبولت، بیسونت، آریاگا، کاکس، و برادبری، ۱۹۹۸). همچنین، افرادی با تعهد بالا به احتمال بیشتری نسبت به هم‌تایان خود که تعهد پایین‌تری دارند از تمایلات خود به نفع برآوردن تمایلات همسرشان می‌گذرند (پاول و ون‌واگت، ۲۰۰۳).

مطالعات نشان می‌دهند که عوامل فردی، زوجی و محیطی بسیاری بر تعهد زناشویی تاثیر می‌گذارند. در میان عوامل زوجی، تعارض میان زوجین، رضایت زناشویی و عشق، از منابع مهم تاثیر گذار بر تعهد هستند (ایتو و ساگارا، ۲۰۱۶). در این میان بعضی از عوامل روان شناختی دیگری نیز وجود دارند که ممکن است بر روی تعهد زوج‌ها تاثیر گذار باشند. این عوامل کلی تر بوده و به نوعی خود در برگیرنده ی عوامل دیگر زوجی است، به عبارت دیگر این عوامل کلی تر خود پیش بینی کننده و شکل دهنده عواملی همچون تعارض، عشق و رضایت زناشویی است. در میان این عوامل، می‌توان به

الگوی تعاملی مناسب زوجین اشاره کرد که یکی از عواملی است که بر تعهد زناشویی تاثیر می گذارد (مسترز، ۲۰۰۸). الگوی ارتباطی، روش های برقراری تعامل در روابط زوجین و چگونگی برخورد با تعارض است (گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰).

علاوه بر سبک های ارتباطی، یکی از متغیرهای حایز اهمیت، سبک های دلبستگی زوجین است. بالبی (۱۹۸۲) دلبستگی را به عنوان الگویی ذاتی از هیجان، شناخت و رفتار تعریف می کند که فعالیت های انسان را در طول عمر سازماندهی می کند. از نظر او افراد در گرایش های ذاتی خود به سمت داشتن انواع سبک های دلبستگی با هم تفاوت دارند. تحقیقات در زمینه ی دلبستگی نشان دهنده ی این است که دلبستگی نقش مهمی را در پیوندهای بزرگسالان نظیر روابط عاشقانه و روابط زناشویی ایفا می کند. هازان و شیور (۱۹۸۷) نشان داده اند که مشخصه های پیوند عاطفی بین زوجین با مشخصه های پیوندهای عاطفی کودک - مادر قابل مقایسه است و سبک های شناخته شده دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، احساس ها و رفتار زوجین را در روابط زناشویی تحت تاثیر قرار می دهند.

با وجود اهمیت این رفتارهای مراقبتی پژوهش ها بیشتر بر سبک دلبستگی افراد متمرکز بوده اند و کمتر رفتارهای مراقبتی را مورد توجه قرار داده اند. رفتارهای مراقبتی، افراد را درباره نیاز دیگران به آنان آگاه می سازد و آنان را برای فراهم کردن حمایت، آسایش و یاری برای کسانی به آنها وابسته هستند و یا به آنها نیاز دارند دارای انگیزه می سازد (سولومون و جورج، ۲۰۱۱). رفتار مراقبتی، رفتاری است که با هدف فراهم کردن حمایت و پشتیبانی از افراد نیازمند به کمک برای مدتی طولانی یا به طور موقت انجام می شود تا علاوه بر اینکه باعث کاهش احساس رنج در آنها می شود، در مقابل آسیب نیز از آنها حمایت و به رشد و تحولشان کمک کند (سولومون جورج، ۲۰۱۱). فرض می شود که افراد زمانی که رشد می یابند، از مراقبین دوره کودکی خود به عنوان چهره های اولیه دلبستگی چشم پوشی کرده و روابط صمیمانه خود را به خارج از خانواده نظیر شریک عشقی گسترش می دهند (پورآوری، قنبری، زاده محمدی و پناغی، ۲۰۱۴). رفتارهای مراقبتی در زوجین می تواند روابط عاشقانه آنها را تحت تاثیر قرار دهد. به عنوان مثال کولینز و فینی (۲۰۰۰) نشان دادند که زمانی که یکی از زوجین درباره نگرانی های شخصی صحبت می کند و دیگری رفتار حمایتی حمایتگر نشان می دهد، احساس بهزیستی هیجانی و خلق مثبت در فرد دریافت کننده مراقبت بلافاصله افزایش می یابد. با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش در پی آن بود که به پیش بینی تعهد زوجین براساس الگوهای تعاملی و رفتارهای مراقبتی آنان بپردازد.

روش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه ی آماری تحقیق شامل همه زنان و مردان متأهل شهر تهران بود. از این جامعه، ۵ منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تهران انتخاب سپس در هر محله با مراجعه به اماکن عمومی مانند پارک‌ها، ادارات و دانشگاه‌ها ۱۹۲ نفر به صورت نمونه ی در دسترس انتخاب و با پرسشنامه تعهد زناشویی^۱ پرسشنامه تعامل زوجین ایرانی^۲ ICIS پرسشنامه رفتارهای مراقبتی^۳ مورد آزمون قرار گرفتند. معیارهای ورود به پژوهش شامل متأهل بودن و طول مدت ازدواج بین ۱۵ تا ۱۵ سال بود. معیارهای خروج از پژوهش نیز داشتن سابقه ی تشخیص روانپزشکی (از خود افراد درباره مراجعه به روانپزشک یا مصرف دارو سوال شد)، سومصرف مواد مخدر و الکل و جدا زندگی کردن از همسر یا در قرار داشتن در مرحله جدایی بود.

پرسشنامه تعهد زناشویی میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این آزمون توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) تهیه شده و سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را مورد اندازه گیری قرار می دهد. پایایی و اعتبار پرسشنامه، در پژوهش های مختلف تایید شده است (آدامز و جونز، ۱۹۹۷).

پرسشنامه تعامل زوجین ایرانی نظام چک لیستی از تعاملات زوجین و رفتارهای کلامی و غیرکلامی آن‌هاست. این نظام کدگذاری دارای ۲۳ کد تعاملی (۱۵ کد تعاملی منفی، ۱ کد تعاملی خنثی و ۷ کد تعاملی مثبت) است. کدهای تعاملی منفی شامل «تفر»، «اهانت»، «کج خلقی»، «سلطه‌گری»، «انتقاد»، «عصبانیت»، «تنش»، «شوخی عصبی»، «دفاعی رفتار کردن»، «غمگینی»، «دیوارسنگی»، «خانواده»، «اهانت به خود»، «تخطئه کردن رابطه» و «قواعد جنسیتی» است. هفت کد تعامل مثبت شامل «علاقه برای رابطه»، «تصدیق و تایید کردن»، «عاطفه»، «شوخی»، «شگفت زده کردن» و «خودافشایی» و کاربرد کلمه «ما» در روابط زوجین است. این نظام کدگذاری را صادقی، مظاهری و موتابی (۲۰۱۰) فراهم کردند. مولفه های روانسنجی این پرسشنامه تایید شده است (صادقی، مظاهری و موتابی، ۲۰۱۰).

پرسشنامه رفتارهای مراقبتی توسط کونیس و شاور (۱۹۹۴) ساخته شده و ۳۲ سوال دارد که ۴ نوع رفتارهای مراقبتی شامل رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی، رفتار مراقبتی حساس، رفتار مراقبتی کنترل کننده و رفتار مراقبتی وسواس گونه را مورد ارزیابی قرار می دهد. کونیس و شاور (۱۹۹۴) اعتبار و پایایی این پرسشنامه را تایید کرده اند.

به منظور آزمون فرضیه‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون به روش ENTER و گام به گام استفاده شد. داده‌ها با بیستمین ویرایش نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش ارایه شده است.

جدول ۱ شاخصهای توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

متغیر	جنسیت		زنان		مردان		کل	
	sd	M	sd	M	Sd	M	sd	M
تعهد اخلاقی	۴/۷۲	۳۵/۷	۳/۹۱	۳۴/۷۲	۳۵/۳۱	۳۵/۳۱	۵/۰۳	۳۵/۳۱
تعهد شخصی	۵/۱۵	۵۶/۹۸	۴/۹۰	۵۶/۰۷	۵۶/۹۵	۵۶/۹۵	۵/۹۲	۵۶/۹۵
تعهد ساختاری	۳/۸۷	۳۶/۴۴	۲/۷۵	۳۶/۱۶	۳۶/۲۵	۳۶/۲۵	۳/۹۱	۳۶/۲۵
رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی	۴/۵۹	۲۲/۳۸	۵/۶۵	۲۳/۴۸	۲۲/۲۰	۲۲/۲۰	۲/۴۵	۲۲/۲۰
مراقبت حساس	۲۷/۲۴	۲۷/۲۴	۵/۰۳	۲۸/۷۲	۲۷/۳۶	۲۷/۳۶	۵/۵۵	۲۷/۳۶
مراقبت کنترل کننده	۵/۳۰	۲۴/۰۲	۵/۳۲	۲۶/۱۶	۲۴/۴۰	۲۴/۴۰	۵/۵۶	۲۴/۴۰
مراقبت وسواس گونه	۶/۷۱	۲۴/۵۵	۶/۳۷	۲۴/۳۵	۲۴/۴۹	۲۴/۴۹	۶/۶۰	۲۴/۴۹
الگوهای ارتباطی مثبت	۴/۲۷	۲۶/۱۷	۴/۵۶	۲۶/۰۵	۲۶/۱۱	۲۶/۱۱	۴/۳۷	۲۶/۱۱
الگوهای ارتباطی منفی	۸/۸۳	۳۳/۳۰	۹/۴۳	۳۱/۸۰	۳۲/۵۶	۳۲/۵۶	۹/۲۲	۳۲/۵۶

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	۱. الگوی ارتباطی مثبت
						۱	۰/۰۵	۲. الگوی ارتباطی منفی
					۱	-۰/۴۴**	۰/۵۲**	۳. رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی
				۱	۰/۲۱	-۰/۴۴**	۰/۳۶**	۴. مراقبت حساس
			۱	۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۴۹**	-۰/۳۴**	۵. مراقبت کنترل کننده
		۱	۰/۱۷	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۲۴**	-۰/۰۳	۶. مراقبت وسواس گونه
	۱	-۰/۱۳	-۰/۲۰**	۰/۳۶**	۰/۳۶**	-۰/۴۸**	۰/۳۶**	۷. تعهد اخلاقی
۱	۰/۱۶	۰/۱۱*	۰/۱۶**	۰/۱۹**	۰/۳۶**	-۰/۴۲**	۰/۳۵**	۸. تعهد شخصی
۰/۰۹	۰/۲۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۴	۹. تعهد ساختاری

الگوهای ارتباطی به عنوان متغیرهای پیش بین و زیر مقیاس های تعهد زناشویی به عنوان متغیرهای ملاک وارد معادله شدند. نتایج این تحلیل در جداول آمده است. با توجه به جدول ۳ رگرسیون تنها برای متغیرهایی که با تعهد همبستگی معنادار داشتند، یعنی تعهد اخلاقی و تعهد شخصی انجام شد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون برای پیش بینی تعهد اخلاقی و شخصی

Sig.	T	B	β	R^2	r	ملاک	پیش بین
۰/۰۰۲	۳/۰۸	۰/۲۱	۰/۳۶	۰/۲۶	۰/۳۶ ^{°°}	تعهد اخلاقی	الگوی ارتباطی مثبت
۰/۰۰۱	-۶/۱۰	-۰/۱۸	-۰/۴۰		-۰/۴۸ ^{**}		الگوی ارتباطی منفی
۰/۰۰۱	۴/۲۱	۰/۳۴	۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۳۵ ^{°°}	تعهد شخصی	الگوی ارتباطی مثبت
۰/۰۸	-۱/۷۴	-۰/۰۶	-۰/۱۲		-۰/۲۴ ^{**}		الگوی ارتباطی منفی
۰/۰۱	۲/۵۳	۰/۱۳	۰/۳۶	۰/۱۵	۰/۳۶ ^{°°}	تعهد	رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی
۰/۰۱	۲/۵۹	۰/۱۳	۰/۲۳		۰/۳۷ ^{°°}	اخلاقی	رفتار مراقبتی حساس
۰/۳۷	-۰/۸۹	-۰/۰۴	-۰/۰۷		-۰/۲۰ ^{°°}		رفتار مراقبتی کنترل کننده
۰/۲۴	۱/۱۶	۰/۰۵	۰/۰۸		۰/۱۲		رفتار مراقبتی وسواس گونه
۰/۰۰۱	۴/۵۷	۰/۲۷	۰/۳۶	۰/۱۲	۰/۳۶ ^{°°}	تعهد	رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی
۰/۴۳	۰/۷۷	۰/۰۴	۰/۲۳		۰/۱۹ ^{°°}	شخصی	رفتار مراقبتی حساس
۰/۳۵	-۰/۹۲	-۰/۰۵	-۰/۰۷		-۰/۱۶ ^{°°}		رفتار مراقبتی کنترل کننده

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، این مدل توان پیش بینی ۲۷ درصد واریانس تعهد اخلاقی را داشته است ($F_2, 189 = ۳۶/۶۴$ ؛ $R^2 = ۰/۲۷$ ، $p = ۰/۰۰۲$)، الگوی ارتباطی مثبت و منفی هر دو پیش بینی کننده‌های معناداری برای متغیر تعهد اخلاقی بودند. با توجه به نتایج به دست آمده، مدل توان پیش بینی ۱۴ درصد واریانس تعهد شخصی را داشت ($R^2 = ۰/۱۴$ ، $p = ۰/۰۰۰۱$)؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود تنها الگوی ارتباطی مثبت پیش بینی کننده معناداری برای تعهد شخصی بود.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که مدل توان پیش بینی ۱۷ درصد واریانس تعهد اخلاقی را داشته است ($F_4, 187 = ۹/۵۶$ ؛ $R^2 = ۰/۱۷$ ، $p = ۰/۰۰۱$)، از میان زیرمقیاس‌های رفتارهای مراقبتی، تنها رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و رفتار مراقبتی حساس پیش بینی کننده‌های معناداری بودند. با توجه به جدول ۴-۸، مدل توان پیش بینی ۱۴ درصد واریانس تعهد شخصی را داشت ($R^2 = ۰/۱۴$ ، $p = ۰/۰۰۵$)؛ اما زیرمقیاس‌های رفتارهای مراقبتی حساس، کنترل کننده و وسواس گونه پیش بینی کننده‌های معناداری نبودند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی توانایی پیش بینی تعهد شخصی و اخلاقی را در افراد متأهل دارد. مراقبت حساس نیز تنها توان پیش بینی تعهد اخلاقی را داشت.

نتایج نشان می‌دهد، از میان متغیرهای پیش بین، تنها چهار متغیر الگوی ارتباطی منفی، الگوی ارتباطی مثبت، رفتار مراقبتی حساس و رفتار مراقبتی کنترل کننده به ترتیب وارد معادله رگرسیون شدند. الگوی

ارتباطی منفی توان پیش‌بینی ۲۳ درصد از واریانس متغیر تعهد اخلاقی را داشت و با ورود متغیر الگوی ارتباطی مثبت، ضریب تبیین به ۲۷ درصد افزایش یافت. همچنین با ورود متغیرهای رفتار مراقبتی حساس و کنترل‌کننده، ضریب پیش‌بینی به ترتیب به ۲۹ و ۳۰ درصد افزایش یافت. طبق نتایج بدست آمده الگوی ارتباطی منفی و رفتار مراقبتی کنترل‌کننده پیش‌بینی‌کننده‌های منفی تعهد اخلاقی و الگوی ارتباطی مثبت و رفتار مراقبتی حساس، پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت تعهد اخلاقی بودند.

همچنین معلوم شد که از میان متغیرهای پیش‌بین، تنها دو متغیر رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و الگوی ارتباطی مثبت به ترتیب وارد معادله رگرسیون شدند. رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی توان پیش‌بینی ۱۲ درصد از واریانس متغیر تعهد شخصی را داشت و با ورود متغیر الگوی ارتباطی مثبت، ضریب تبیین به ۱۶ درصد افزایش یافت. طبق نتایج بدست آمده رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و الگوی ارتباطی مثبت پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت تعهد شخصی بودند.

در مجموع مشاهده می‌شود که الگوی ارتباطی مثبت و منفی توانایی پیش‌بینی تعهد اخلاقی و شخصی را دارند. همچنین رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و حساس توانایی پیش‌بینی تعهد اخلاقی و رفتار مراقبتی حساس و وسواس‌گونه توانایی پیش‌بینی تعهد شخصی را داشتند. در رگرسیون گام به گام نیز که با ورود تمام متغیرهای پیش‌بین به معادله انجام شد، الگوی ارتباطی مثبت و منفی، رفتار مراقبتی حساس و رفتار مراقبتی کنترل‌کننده توان پیش‌بینی تعهد اخلاقی را داشتند. همچنین رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و الگوی ارتباطی مثبت توان پیش‌بینی تعهد شخصی را داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش الگوهای تعاملی و رفتارهای مراقبتی افراد متاهل در پیش‌بینی تعهد زناشویی آنان بود. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطی مثبت توانایی پیش‌بینی تعهد اخلاقی و شخصی را در جهت مثبت و الگوی ارتباطی منفی توان پیش‌بینی این دو زیرمقیاس تعهد زناشویی را در جهت منفی دارند در حالی که هیچ‌یک از الگوها تعهد ساختاری را پیش‌بینی نمی‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان به نظریه وابستگی متقابل اشاره کرد. بر اساس این نظریه، فرض می‌شود که رضایت ارتباطی با افزایش سطح وابستگی و تعهد در رابطه همراه است. تعهد احتمالاً توسط کیفیت عاطفی روابط تحت تاثیر قرار می‌گیرد. اساس نظریه وابستگی متقابل این است که افراد به دنبال تجربه روابطی هستند که پاداش دهنده‌اند و از ادامه روابط تنبیه‌کننده جلوگیری می‌کنند. پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند در روابطی که افراد آن را منبعی از عاطفه مثبت ارزیابی می‌کنند، تعهد افزایش پیدا می‌کند

(گیورتر و سگرین و همکاران، ۲۰۰۹). پژوهش جانسون بر روی زوج‌هایی که سه سال از ازدواج آنها گذشته بود، نشان داد که زوج‌هایی که در سال‌های اولیه ی ازدواج، به یکدیگر متعهد هستند بیشتر تعهد شخصی نشان می‌دهند تا برای مثال، تعهد ساختاری. در حقیقت، به نظر می‌رسد تعهد ساختاری که از عواملی خارج از رابطه زوج منشا می‌گیرد، بیشتر مربوط به زمانی است که افراد نسبت به همسرشان از بعد شخصی تعهد ندارند. زیرا در صورت پایین بودن تعهد شخصی و اخلاقی، نقش مولفه‌های تعهد ساختاری (با ایجاد احساس گیرافتادن در رابطه یا هزینه‌هایی که فرد با ترک رابطه باید بپردازد) در حفظ رابطه چشمگیر خواهند بود. شاید علت این باشد که تعهد شخصی و اخلاقی جنبه‌های هنجاری-ارزشی تعهد هستند که به وسیله ی شخص و رابطه تحت تاثیر قرار می‌گیرند (جانسون، ۱۹۹۱).

همان‌طور که مشاهده شد هیچ‌یک از الگوهای ارتباطی با تعهد ساختاری رابطه نداشت. هرچند تعهد ساختاری-حس اجبار یا وجود موانعی در مسیر ترک رابطه-منبعی مهمی برای تعهد محسوب می‌شود اما ممکن است به اندازه تعهد شخصی یا اخلاقی در تصمیم‌گیری فرد برای ماندن در رابطه نقش نداشته باشد (کلی، ۱۹۸۳). از سوی دیگر از دیدگاه جانسون (۱۹۹۱) تمام ابعاد تعهد نقش یکسانی در استمرار رابطه ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد در مورد این نوع رابطه آنچه بیش از سایر موارد فرد را به ماندن در رابطه تشویق می‌کند هزینه‌هایی است که فرد باید برای ترک آن بپردازد. از این رو عوامل درونی همچون الگوهای ارتباطی نقش پررنگی در این نوع تعهد ایفا نمی‌کنند.

طبق یافته‌های پژوهش، رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و حساس، توانایی پیش‌بینی تعهد اخلاقی را داشتند. تعهد شخصی نیز تنها با رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی قابل پیش‌بینی بود. تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نقش پیش‌بینی کننده رفتار مراقبتی حساس و کنترل‌کننده در تعهد اخلاقی و رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی در تعهد شخصی را نشان داد. زوج‌های رمانتیک در زمان نیاز راحتی، حمایت و امنیت را برای یکدیگر فراهم می‌کنند. کیفیت حمایتی که زوج می‌خواهند و می‌توانند برای یکدیگر فراهم کنند، یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی کیفیت و پایداری ارتباط است (کولینز و فینی، ۲۰۰۰). بر طبق نظریه دلبستگی، هدف رفتارهای مراقبتی کاهش رنج، حمایت افراد در برابر آسیب و پرورش رشد و تحول افراد است (آینسورث، بلهال، واترز، و وال، ۲۰۱۵) طبق نظر کولینز، فورد، گویچارد، و آلارد (۲۰۰۶) رفتارهای مراقبتی احتمالاً زمانی فعال می‌شود که فرد در شرایط فشار است و احساس می‌کند به کمک نیاز دارد یا شخص فرصت اکتشاف، یادگیری و مهارت یافتن دارد و می‌خواهد در این زمینه با دیگری گفتگو کند. چرا که هدف رفتارهای مراقبتی باید ایجاد احساس رفاه، امنیت و نشان دادن

توجه به مشکلات فرد و همچنین تایید توانایی وی برای مقابله با این موقعیت‌ها، ابراز عشق و فراهم کردن ابزار کمک به همسر در زمان نیاز باشد (کولینز، فورد، و فیلی، ۲۰۱۱). این رفتارها می‌توانند اساسی‌ایمن را برای اکتشاف، رشد و تحول دیگری فراهم کنند، علاقه‌ی همسر به اهداف و برنامه‌هایش را نشان دهند، توانایی وی برای مقابله با چالش‌ها را تایید کنند و راهنمایی و منابع لازم را برای وی فراهم کنند نه اینکه در روند اکتشاف، فعالیت‌ها و موفقیت‌های وی اختلال ایجاد کنند. به این ترتیب احساس استقلال و خودمختاری فرد مورد تهدید قرار می‌گیرد که می‌تواند با احساس نارضایتی از رابطه و به مرور با کاهش تعهد شخصی و اخلاقی نسبت به آن همراه باشد (میکولینگر و شاور، ۲۰۱۶). این افراد معمولاً در رفتار مراقبتی حفظ نزدیکی و حساس نمرات پایینی می‌گیرند و تمایل به حفظ فاصله از همسرشان دارند. افراد اضطرابی نیز معمولاً نمرات بالایی در زیرمقیاس رفتار مراقبتی و سواس گونه می‌گیرند. همچنین، در پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه سبک دلبستگی با تعهد پرداخته‌اند مشخص شده است که افرادی با دلبستگی اضطرابی اغلب گزارش می‌کنند که همسرشان به اندازه آن‌ها با رابطه متعهد نیست (شاور و میکولینسر، ۲۰۱۳).

References

- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177.
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. N. (2015). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Psychology Press.
- Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2011). On the home front: Stress for recently deployed Army couples. *Family process*, 50(2), 235-247.
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: Vol. 1. *Attachment* (2nd ed.). New York: Basic Books. (Original ed. 1969)
- Brandau-Brown, F. E., & Ragsdale, J. D. (2008). Personal, moral, and structural commitment and the repair of marital relationships. *Southern Communication Journal*, 73, 68-83.
- Chapman, G. (2010). The Five love languages: *The secret to love that lasts*. Chicago: Northfield
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2000). A safe haven: an attachment theory perspective on support seeking and caregiving in intimate relationships. *Journal of personality and social psychology*, 78(6), 1053.
- Collins, N. L., & Ford, M. B. (2010). Responding to the needs of others: The caregiving behavioral system in intimate relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27(2), 235-244.
- Collins, N. L., Ford, M. B., & Feeney, B. C. (2011). An attachment-theory perspective on social support in close relationships. *Handbook of interpersonal psychology: Theory, research, assessment, and therapeutic interventions*, 209-231.
- Collins, N. L., Ford, M. B., Guichard, A. C., & Allard, L. M. (2006). Working models of attachment and attribution processes in intimate relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32(2), 201-219.
- Dean, D. G., & Spanier, G. B. (1974). Commitment—An Overlooked Variable in Marital Adjustment?. *Sociological Focus*, 7(2), 113-118.
- DeLongis, A., & Zwicker, A. (2016). Marital Satisfaction and Divorce in Couples in Stepfamilies. *Current Opinion in Psychology*.
- Givertz, M., Burke, T., Segrin, C., & Woszidlo, A. (2016). Attachment orientation moderates the relationship between dedication and constraint commitment and felt constraint in married couples. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 5(1), 1.
- Givertz, M., Segrin, C., & Hanzal, A. (2009). The association between satisfaction and commitment differs across marital couple types. *Communication Research*, 36, 561-584.

- Givertz, M., Segrin, C., & Woszidlo, A. (2016). Direct and indirect effects of commitment on interdependence and satisfaction in married couples. *Journal of Family Psychology, 30*(2), 214.
- Gottman, J. M. (1993). A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology, 7*, 57-75.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family, 62*(4), 927-947
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology, 52*(3), 511.
- Holmes, B. M., & Johnson, K. R. (2009). Adult attachment and romantic partner preference: A review. *Journal of Social and Personal Relationships, 26*(6-7), 833-852.
- Ito, Y., & Sagara, J. (2016). Marital commitment between couples in child-rearing period and in middle-aged and elderly period. *International Journal of Psychology, 51*, 618.
- John, N. A., Seme, A., Roro, M. A., & Tsui, A. O. (2017). Understanding the meaning of marital relationship quality among couples in peri-urban Ethiopia. *Culture, Health & Sexuality, 19*(2), 267-278.
- Johnson, M. P. (1991). Commitment to personal relationships. In W. H. Jones & D. W. Perlman (Eds.), *Advances in personal relationships* (Vol. 3, pp. 117-143). London: Jessica Kingsley Publishers.
- Kelley, H. H. (1983). The situational origins of human tendencies: A further reason for the formal analysis of structure. *Personality and Social Psychology Bulletin, 9* (5), 8-30
- Kuhn, M. H., & McPartland, T. S. (1954). An empirical investigation of self-attitudes. *American sociological review, 19*(1), 68-76.
- Kunce, L. J., & Shaver, P. R. (1994). An attachment-theoretical approach to caregiving in romantic relationships. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *Advances in personal relationships* (Vol. 5, pp. 205-237). London: Jessica Kingsley.
- Maleki, Gh., Zabih Zadeh, A., Panaghy, L., Rashidi, M., & Bagheri, M. (2014). The conflict resolution tactics in various attachment styles of couples. *Journal of Thought & Behavior in Clinical Psychology, 8*(31), 77-86. (Persian)
- Manning, W. D., & Cohen, J. A. (2012). Premarital cohabitation and marital dissolution: An examination of recent marriages. *Journal of Marriage and Family, 74*(2), 377-387
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics, 11*(3), 614-628.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2016). A Behavioral Systems Perspective on Romantic Love.
- Pouravary, M., Ghanbari, S., Zadeh Mohammadi, A., & Panaghy, L. (2014). Validity, reliability and factor structure of the experiences of close relationships questionnaire - the relationship structure (ECR-RS). *Journal of Thought & Behavior in Clinical Psychology, 8* (31), 47-56. (Persian)
- Powell, C., & Van Vugt, M. (2003). Genuine giving or selfish sacrifice? The role of commitment and cost level upon willingness to sacrifice. *European Journal of Social Psychology, 33*(3), 403-412.
- Rusbult, C. E., Bissonnette, V. L., Arriaga, X. B., Cox, C. L., & Bradbury, T. N. (1998). Accommodation processes during the early years of marriage. *The developmental course of marital dysfunction, 74*-113
- Sadeghi, M., Mazaheri, M., & Mootabi, F. (2010). Iranian Couples Interaction Coding System. *Journal of family research, 6*(3), 353-372. (Persian)
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. A. R. I. O. (2013). Patterns of relating and of thinking about relationships. *Human Bonding: The Science of Affectional Ties, 251*.
- Solomon, J., & George, C. (Eds.). (2011). *Disorganized attachment and caregiving*. Guilford Press.
- Stanley, S. M., Amato, P. R., Johnson, C. A., & Markman, H. J. (2006). Premarital education, marital quality, and marital stability: findings from a large, random household survey. *Journal of Family Psychology, 20*(1), 117.
- TalaeiZadeh, F., & Bakhtiyarpour, S. (2016). The relationship between marital satisfaction and sexual satisfaction with couple mental health. *Journal of Thought & Behavior in Clinical Psychology, 9* (40), 37-46. (Persian)
- Tang, C. Y., & Curran, M. A. (2013). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues, 34*(12), 1598-1622.
- Thibaut, J. W., & Kelley, H. H. (1959). *The social psychology of groups*. New York: Wiley.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 11 (No. 44), pp. 27-36, 2017

Determining the role of Interactive patterns and caregiving behaviors in predicting marital commitment

Malek Asa, Maryam

Family Research Institute, Shahid Beheshti Universtiy, Tehran, Iran

seyed Mousavi, Parisa Sadat

Family Research Institute, Shahid Beheshti Universtiy, Tehran, Iran

Sadeghi, Mansoureh Sadat

Family Research Institute, Shahid Beheshti Universtiy, Tehran, Iran

Falahat Pishch, Maryam

Family Research Institute, Shahid Beheshti Universtiy, Tehran, Iran

Received: Feb 07, 2017

Accepted: Apr 20, 2017

Commitment is one of the most important predictors of individual's tendency for staying in marriage and the determined factor for anticipating duration and quality of it. Concerning the importance of cultural factors in this matter, the aim of this research was determining the role of Interactive patterns and caregiving behaviors of married people in predicting their marital commitment". The population included 120 married people who were selected by using convenience sampling method from 5 areas in Tehran (north, south, east and west) and their Marital Commitment, Interactions and caregiving behaviors were assessed. Findings showed positive and negative communicational patterns could predict moral and personal commitment. Also the Proximity Maintenance and the Sensitive caregiving behavior could predict moral commitment as well as the Sensitivity and the Compulsive Caregiving could predict personal commitment. In addition, positive and negative pattern, sensitive and controlling caregiving behaviors could predict moral commitment and proximity maintenance and positive communicational pattern could predict personal commitment. Result of the study showed that communicational and caring styles developed based on attachment patterns of married people take an important role in marital commitment. Then by improving communicational patterns and positive caring behaviors between couples, it will be able to helping increase moral and personal commitment.

Keywords: Interactive pattern, caregiving behavior, marital commitment

Electronic mail may be sent to: p_mousavi@sbu.ac.ir